

## جمهوری اسلامی در برون رفت از بن بست‌ها ناتوان است

اقداماتی برای رسوخ و نفوذ در نهادهای مستقلی چون کانون وکلای دادگستری و سازمان صنفی روزنامه نگاران در آستانه انجام است. در چهارده آبان ماه فرمانده بسیج اعلام می‌کند که کانون وکلای بسیجی ایجاد می‌شود توضیح آنکه کانون مستقل وکلای در زمان روانشاد دکتر مصدق تشکیل و استقلال آن رسمیت دارد و این نخستین بار هم نیست که برای محدود کردن کانون وکلای و سازمان‌های صنفی دیگر نقشه‌هایی کشیده‌اند. از میان بردن استقلال هر یک از این نهادها لطمه‌ای است بر آزادی‌های حقّه ملت ایران و گزارش اخیر دبیر کل سازمان ملل دابر بر نقض فاحش حقوق بشر در ایران گویای بخشی از آن است که در ایران اتفاق می‌افتد. در زمینه اقتصادی هم گرفتاری‌های مردم ما بر همگان آشکار است. بسیاری از مردم در خط فقر و بسیاری دیگر زیر خط فقر روزگار می‌گذرانند. افزایش قیمت کالاها و اساسی نه زندگی روزانه بلکه زیستن را در ایران به سختی کشانده است، تورم بالای ۳۰٪ است که دولتیان می‌گویند و واقعیت‌های قابل لمس از آن بسی فراتر است. در سیاست خارجی حرکت به گونه ای است که حکومت ایران روز به روز منزوی‌تر می‌شود و نمونه آن کاندید شدن دولت ایران برای عضویت غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است که با تمام فعالیت‌های مأموران سیاست خارجی جمهوری اسلامی برای جلب آرای اعضای سازمان ملل کردند دولت ایران به آرای اندک دست یافته و به شکست تن می‌دهد و ژاپن به نمایندگی آسیا به شورای امنیت راه می‌یابد. دولت ایران امیدوار بود با گفتگوهایی که با کشورهای غیر متعهد داشته است و یا با حضور در کنار نمایندگان کنفرانس شانگهای و یا کنفرانس دولت‌های اسلامی آرای بیشتری را کسب کند ولی این تصور تحقق نیافت و یا قبل از آن تأکید شورای امنیت به اجرای قطعنامه‌های مربوط به انرژی هسته‌ای نشان داد که با تمام بهره‌ای که چین و روسیه از ایران می‌برند در مسایل اساسی جهان نمی‌توانند حامی دولت جمهوری اسلامی باشند و خلاصه اینکه زبان‌های حاصله از سیاست‌های داخلی و خارجی بر قدرت نشستگان در ایران ملت ما را هر روز از حقوق انسانی، رفاه اقتصادی و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار ملت‌های دیگر جهان دورتر می‌سازد.

آن‌گونه که در ایران زمین اهرم‌های قدرت را در دست دارند با ادامه سیاست‌های غلط داخلی و خارجی هر روز در برون رفت از بن بست‌ها ناتوان‌تر می‌شوند و در نتیجه آن مردم ایران در سخت‌ترین اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روزگار می‌گذرانند حاکمیت بیگانه از مردم گوش شنوایی برای شنیدن اعتراضات برخاسته از ناپسامانی‌ها را ندارد. در سیاست داخلی آزادی‌های اساسی مردم ایران که از حقوق بی‌چون و چرای هر انسان است به نابودی گراییده است. صاحبان قدرت که مردمان ایران را امت خویش می‌پندارند برای ملت جز پذیرش و حرکت در مسیری که برایش ترتیب داده اند راه دیگری را مجاز نمی‌دانند و برخورد عقاید و آرا و کثرت‌گرایی که در محیطی آزاد، به رشد فرهنگی و اجتماعی مردم می‌انجامد را باور ندارند. آزادی بیان که حقی مسلم و شناخته شده برای انسانها است مجازات‌های شدیدی در پی دارد. هر گونه حرکت اجتماعی از سوی کارگران، معلمان، دانشجویان، اصناف و بازاریان با سرکوب مأموران و یژه حکومتی مواجه می‌شود. در یک ماه گذشته بازداشت‌های متعددی صورت گرفته است که به منظور خاموش کردن صدای هر ناله ای است، زمانی که به ناپراوری تبعیض‌آمیز جنسیتی در حقوق اجتماعی معترضند، همچنان تحت پیگرد قرار گرفته و بازداشت شده‌اند. از گوشه و کنار کشور کارگران کارخانه‌ها در برابر خواستن حتی فقط دستمزد و حقوق ایامی که کار کرده‌اند مورد ضرب و شتم و انواع خشونت واقع می‌شوند و یکی دیگر از گروه‌های جامعه که بازاریان هستند در پی تعطیلی چندروزه بازار تعدادی از شهرهای ایران (چون اصفهان، تهران، تبریز و...) شنیده می‌شود که دهها نفر بازداشت شده‌اند و این در حالی است که دولت خواسته آنان را منطقی و قابل بررسی دانست و اجرای قانون در یافت مالیات ویژه‌ای را که موجب این اعتراض و اعتصاب شده بود برای مدت نامعلوم مسکوت گذاشت. نبودن آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر برای ملت ایران از هر قشر و طبقه‌ای کاملاً محسوس است. برای افزایش سلطه حاکمیت در بی‌رنگ و بی‌تأثیر کردن نهادهای مستقل صنفی سالهاست کوشش می‌شود اخیراً با استفاده از نیروی نیمه نظامی بسیج

### یاد و نام پروانه و داریوش فروهر و سایر قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای گرامی باد

نظر ملت ایران پرورنده معروف به قتل‌های زنجیره‌ای هیچگاه بسته نشده و این ملت قتل مظلومانه هموطنان شرافتمند خود را همواره چون بغضی فر و خفته در گلو احساس می‌کند و یاد و نام قربانیان آن جنایات را هرگز فراموش نخواهد کرد و این سؤال همچنان باقیست که آیا سزوار است که حاکمیتی که اولین وظیفه‌اش حفظ امنیت و جان و مال و ناموس شهروندان و افراد ملت است خود مرتکب قتل پنهانی و سازمان یافته مخالفین سیاسی خود به آن صورت فجیع بشود؟

حاکمیت جمهوری اسلامی آنها را بعنوان قتل‌هایی که توسط برخی عناصر خودسر وزارت اطلاعات صورت گرفته پذیرفته است به دنبال بر ملا شدن این جنایات نفرت انگیز ظاهراً چندتن از مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند و عامل اصلی آن قتل‌ها به نام سعید امامی یا سعید اسلامی معرفی گردید که وی نیز به صورت خودکشی در زندان از میان برداشته شد و راز این جنایات و آمران و عاملان واقعی آنها هیچگاه معرفی نشدند و تنها چند مأمور اجرایی دون پایه مدت کوتاهی را در زندان به سر برده و بعد آزاد شدند. از

اول آذرماه هشتاد و هفت مصادف با دهمین سالگرد شهادت پیشگامان فداکار نهضت ملی ایران پروانه و داریوش فروهر و همچنین نویسندگان مردم دوست و آزادیخواه پوینده و مختاری و شریف می‌باشد قتل این آزادگان میهن دوست آنچنان فجیع و تکان دهنده و باور نکردنی بود که رییس جمهوری وقت جمهوری اسلامی آنها را «جنایات نفرت انگیز» نامید. معلوم نیست که آغاز این قتل‌ها از چه زمان و تعداد آنها چند مورد بوده است موارد فوق الذکر تنها مواردیست که دقیقاً افشا گردیده و